

به دنبال رسوایی‌های اخیر مالی شرکت‌هایی از قبیل وردکام و انرون در ایالات متحده و بحران‌های مالی اروپا، کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی و حرفه‌ی حسابرسی در مظان سوءظن و اتهام واقع شده است و نقش کمیته‌ی حسابرسی در فرایند گزارشگری مالی، توجه تدوین‌کنندگان مقررات را به طور فزاینده‌ای به خود جلب کرده است.

نقش اصلی کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها نظارت بر فرایند گزارشگری مالی شرکت است. با وجود این که کمیته‌ی حسابرسی قابل‌اتکاترین حفاظت‌ها را از منافع عمومی ارائه می‌کند، بررسی‌ها و مطالعات پیشین پیرامون کمیته‌ی حسابرسی تنوع بسیار زیادی را در تخصص و مهارت کمیته‌ی حسابرسی نشان می‌دهد. همچنین مطالعات فوق، فقدان تجربه و تخصص مالی کافی بسیاری از اعضای کمیته در زمینه‌ی مربوط به امور مالی و حسابداری را نشان می‌دهد. اصلاحات اخیر کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها، افزایش تعداد مدیران دارای تخصص مالی را در کمیته‌ی حسابرسی هدف قرار داده است. تحت استانداردهای جدید ایالات متحده آمریکا، شرکت‌های سهامی عام، باید حداقل یک نفر با تخصص حسابداری در کمیته‌ی حسابرسی خود داشته باشند.

این مقاله رابطه و تاثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی را بر بهبود فرایند گزارشگری مالی مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف این مقاله این است تا ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و رابطه‌ی آن‌ها را با کیفیت گزارشگری مالی مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین ابتدا ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، سپس دیدگاه‌های موجود در زمینه‌ی کیفیت گزارشگری مالی توضیح، و در نهایت به تشریح رابطه‌ی کمیته‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری پرداخته می‌شود. علاوه بر این در نظر دارد تا به ادبیات رو به رشد اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی در چارچوب افزایش کیفیت اطلاعات مالی کمک کند.

هدف مقاله‌ی حاضر مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و تاثیر آن بر بهبود و کیفیت گزارشگری مالی شامل کیفیت سود و مدیریت سود است. این مهم، در چارچوب مروری بر تحقیقات پیشین پیرامون ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و معیارهای کیفیت گزارشگری مالی انجام می‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده، به نظر می‌رسد که باید از طریق اقداماتی از قبیل افزایش استقلال کمیته‌ی حسابرسی، وجود افرادی با تخصص مالی و حسابداری و حسابرسی در کمیته‌ی حسابرسی و افزایش بهبود اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی به منظور اطمینان از ارائه‌ی صادقانه فرایند گزارشگری مالی و گسترش پژوهش‌های انجام شده در زمینه کمیته‌ی حسابرسی و ویژگی‌های آن، تأکید بیش تری در زمینه‌ی بهبود آثار کمیته‌ی حسابرسی بر فرایند گزارشگری مالی انجام گیرد.



# نقش کمیته‌ی حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی

نصراله تختائی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

دکتر محمد تمیمی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

زهرا موسوی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک

## ۱- مقدمه

به دلیل رسوایی‌های اخیر مالی شرکت‌هایی از قبیل وردکام و انرون در ایالات متحده و بحران‌های مالی اروپا همچون پارمالات<sup>۱</sup> در ایتالیا، آهلدا<sup>۲</sup> در هلند و گسکارترا<sup>۳</sup> و بی بی وی ای<sup>۴</sup> در اسپانیا، کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی و حرفه‌ی حسابرسی در مظان سوءظن و اتهام واقع شده است و نقش کمیته‌ی حسابرسی در فرایند گزارشگری مالی، توجه تدوین‌کنندگان مقررات را به طور فزاینده‌ای به خود جلب کرده است (کانسونلو و دفیونتنس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷).

نقش اصلی کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها نظارت بر فرایند گزارشگری مالی شرکت‌ها است. با وجود اینکه کمیته‌ی حسابرسی قابل‌اتکاترین حفاظت‌ها را از منافع عمومی ارائه می‌کند اما بررسی‌ها و مطالعات پیشین پیرامون کمیته‌ی حسابرسی هم تنوع بسیار زیادی را در تخصص و مهارت اعضای کمیته‌های حسابرسی و هم، فقدان تجربه و تخصص مالی کافی بسیاری از اعضای کمیته‌ها را در زمینه‌ی امور مالی و حسابداری نشان می‌دهند. اصلاحات اخیر کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها، افزایش تعداد مدیران دارای تخصص مالی را به عنوان یک از ویژگی‌های برجسته در کمیته‌ی حسابرسی هدف قرار داده است. تحت استانداردهای جدید ایالات متحده آمریکا، شرکت‌های سهامی عام، باید حداقل یک نفر با تخصص حسابداری در کمیته‌ی حسابرسی خود داشته باشند. به گونه‌ای که کمیسیون بورس و اوراق بهادار در ژانویه‌ی سال ۲۰۰۳ میلادی، شرکت‌ها را ملزم به افشای این موضوع در گزارش‌های مالی سالانه کرد که آیا حداقل یک نفر دارای تخصص

مالی در کمیته‌ی حسابرسی خود دارند یا خیر؟ و در صورتی که نداشته باشند باید این موضوع را در یادداشت‌های ضمیمه صورت‌های مالی شرکت افشا کنند و توضیح دهند که چرا هیچ عضوی با تخصص مالی در کمیته‌ی حسابرسی خود ندارند (دیویدسان<sup>۶</sup> و دیگران، ۲۰۰۴).

یکی از مسئولیت‌های اصلی کمیته‌ی حسابرسی شرکت، بررسی

از گزارشگری مالی مطلوب و کنترل داخلی مورد تاکید قرار داد. در سال ۱۹۹۹ در ایالات متحده کمیته‌ی ریپون بلو<sup>۷</sup>، به دنبال کمیسیون تردوی<sup>۸</sup> (۱۹۸۷) توصیه‌های خاصی در مورد چگونگی بهبود اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی بیان کردند. در دهه‌ی اخیر، تحقیقات کمیته‌ی حسابرسی بسیار افزایش داشته است. برخی از این تحقیقات بر روی وجود و فعالیت



چالش‌های عمده‌ی صورت‌های مالی و قضاوت‌های ایجاد شده در زمینه‌ی تهیه‌ی صورت‌های مالی، گزارش‌های میان دوره‌ای و بیانیه‌های رسمی مربوطه است. نوشتارهای دانشگاهی و اعلامیه‌های اخیر راهبری شرکتی نقش حیاتی کمیته‌های حسابرسی را در گزارشگری مالی شناسایی کرده است. در سال ۱۹۹۲ کمیته‌ی کادبری<sup>۹</sup> در بریتانیا کمیته‌ی حسابرسی را به عنوان سازوکاری مرکزی برای اطمینان

و اخیراً بر روی اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی متمرکز شده است. در ایالات متحده، بیسلی<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که وجود کمیته‌ی حسابرسی و استقلال مدیران، تقلب گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. دی زورت<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) استنباط اعضای کمیته‌ی حسابرسی را در زمینه‌ی مسئولیت واگذار شده به آن‌ها و همچنین استنباط آنها را از نظارت کمیته‌ی حسابرسی به طور کلی مورد بررسی قرار داد. وی

نشان می‌دهد که بسیاری از اعضای کمیته‌ی حسابرسی باور دارند که تخصص کافی در زمینه‌ی نظارت مربوط به حسابداری، حسابرسی و قانون ندارند. کارسلو و نیل<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۰) ترکیب کمیته‌ی حسابرسی و رابطه‌ی آن را با دریافت گزارش حسابرسی در رابطه با فرض تداوم فعالیت مورد بررسی قرار دادند. بیسلی و دیگران (۲۰۰۰) تاثیر فاکتورهای صنعت و سازوکارهای راهبری را روی گزارشگری مالی متقلبانه مورد مطالعه قرار دادند. کلین<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۲ بی) عوامل اقتصادی تعیین‌کننده‌ی ترکیب کمیته‌ی حسابرسی را مورد بررسی قرار داد. به هر حال تحقیقات عمدتاً به وجود، ترکیب و فعالیت کمیته‌ی حسابرسی محدود شده است. فقدان معیارهای اندازه‌گیری مانع مطالعات اخیر بر روی اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی شده است. البته نیاز برای ارزیابی عینی از این گونه با توجه به بدنامی‌های اخیر و پرسروصدای شرکت‌هایی از قبیل انرون و وردکام افزایش می‌یابد (سانگ و ویندرام<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۴).

هدف مقاله‌ی حاضر مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و تأثیر آن بر بهبود و کیفیت گزارشگری مالی شامل کیفیت سود و مدیریت سود است. این مهم، در چارچوب مروری بر تحقیقات پیشین پیرامون ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و معیارهای کیفیت گزارشگری مالی انجام می‌شود.

#### ۱- کمیته‌ی حسابرسی

اعضای کمیته‌ی حسابرسی از میان مدیران مستقل یا غیرموظف توسط هیات مدیره‌ی شرکت منصوب خواهند شد. کمیته‌ی حسابرسی به

عنوان یک گروه نماینده از طرف هیات مدیره‌ی شرکت ضمانت و افزایش منافع سهام‌داران را به عهده می‌گیرد (نگاه کنید به والنایزر<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۵؛ کلین، ۱۹۹۸).

به‌خاطر این که وظیفه‌ی اصلی کمیته‌ی حسابرسی بررسی اطلاعات مالی و کنترل رفتار مدیریت در امور جاری است به عنوان یک سازوکار کنترلی با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعات میان اعضای داخلی و خارجی (مدیریت و غیر مدیریت) هیات مدیره تلقی می‌شود (ایچنسحر و شیلدز<sup>۱۶</sup>، ۱۹۸۵؛ پینکاس<sup>۱۷</sup> و دیگران، ۱۹۸۹). لذا از نظر حسابداری، ایجاد کمیته‌ی حسابرسی کیفیت و دقت اطلاعات مالی را بهبود می‌دهد، و این اطمینان را ایجاد می‌کند که پاسخ‌گویی مسئولان برای گزارشگری و افشای بیش‌تر مورد کنترل و نظارت قرار می‌گیرد (کانسوئلو و دفیوننتس، ۲۰۰۷).

بنابراین کمیته‌ی حسابرسی از میان مدیران مستقل و غیرموظف در جهت ضمانت و افزایش منافع سهام‌داران و سرمایه‌گذاران شرکت به عنوان یک سازوکار کنترلی با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان تشکیل می‌شود. از طرف دیگر با ایجاد کمیته‌ی حسابرسی دقت و کیفیت اطلاعات مالی و حسابداری بهبود یافته و با تهیه و تایید اطلاعات مالی شفاف، مسئولیت و پاسخ‌گویی مدیریت شرکت جهت افشای کافی و مناسب و بهبود کیفیت گزارشگری مالی بیش‌تر تحت کنترل قرار می‌گیرد.

#### ۱-۲- تشکیل کمیته‌ی حسابرسی

کمیته‌ی حسابرسی یکی از کمیته‌های هیات مدیره است. نقش

اولیه‌ی آن این است که در انجام مسئولیت نظارتی هیات مدیره از طریق بررسی اطلاعات مالی قابل ارائه به سهام‌داران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی و حسابداری، سیستم‌های کنترل داخلی ایجاد شده توسط مدیریت و هیات مدیره و فرایند حسابرسی به هیات مدیره کمک نماید. در زمینه‌ی تشکیل کمیته‌ی حسابرسی این سؤال مطرح می‌شود که آیا تشکیل کمیته‌ی حسابرسی با بهبود کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی ارتباطی دارد؟ در این زمینه، چندین مطالعه چارچوب تئوری نمایندگی را برای تحلیل انگیزه‌ی شرکت از تشکیل کمیته‌ی حسابرسی مورد استفاده قرار داده‌اند. پینکاس (۱۹۸۹)، راسبارسکی و وانگ<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۹) دریافتند که جدایی مدیریت از سهام شرکت، در شرکت‌هایی که به طور اختیاری کمیته‌ی حسابرسی تشکیل می‌دهند نسبت به شرکت‌هایی که کمیته‌ی حسابرسی ندارند کمتر است. پشتوانه نظری تشکیل کمیته‌ی حسابرسی را می‌توان در نظریه‌ی نمایندگی مشاهده کرد. براساس نظریه‌ی نمایندگی، سهام‌داران و بستانکاران به عنوان مالکان در صدد کسب حداکثر سودمندی از مدیریت هستند که به عنوان نماینده‌ی آنها انجام وظیفه می‌کنند (کالبرز و فوگارتی<sup>۱۹</sup>، ۱۹۹۸). با فرض رفتار منفعت‌جویانه‌ی اقتصادی، نیروی بالقوه‌ای برای اعمال فرصت‌طلبانه توسط نماینده وجود دارد که به زیان مالک است. به دلیل جدایی میان مالکیت و مدیریت، سهام‌داران قادر به مشاهده‌ی مستقیم اعمال مدیریت نیستند (جنسن و مک‌کلینگ<sup>۲۰</sup>، ۱۹۷۶). بنابراین، کنترل‌هایی از جانب سهام‌داران برقرار می‌شود تا مدیران را

از دنبال کردن اهدافی که مانع حداکثر کردن ثروت سهام‌داران شده، باز دارد. هدف این کنترل‌ها نیز، هم‌سو کردن انگیزه‌های مدیران و سهام‌داران و هم محدود کردن فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیران است (دیلاپورتاس<sup>۲۱</sup> و دیگران ۲۰۰۵). کمیته‌های حسابرسی مثالی از چنین کنترل‌هایی در راهبری شرکتی است. این کمیته‌ها بخشی مهم از سیستم کنترل تصمیم‌گیری برای نظارت داخلی توسط هیات مدیره هستند (کالبرز و فوگارتی ۱۹۹۸). برادبری<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که کمیته‌های حسابرسی به طور اختیاری برای بهبود کیفیت جریان اطلاعات مالی میان مالک و نماینده با وجود هزینه‌های بالای نمایندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. کمیته‌های حسابرسی به طور گسترده‌ای در استرالیا مورد توصیه قرار گرفته‌اند و ابزاری مهم بهبود کیفیت رویه‌های گزارشگری مالی شرکت در نظر گرفته می‌شوند (برای مثال، کمیته بلو ریون، ۱۹۹۹؛ رمسی<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۱؛ شورای راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار استرالیا، ۲۰۰۳). کمیته بلو ریون (۱۹۹۹) تأکید می‌کند که وظیفه اصلی کمیته‌های حسابرسی کنترل و نظارت بر فرایند گزارشگری مالی است. رمسی (۲۰۰۱) خاطر نشان می‌کند که هر دو کمیته‌ی تردوی و هیات کرک در ایالات متحده نقش کمیته‌های حسابرسی را به عنوان وسیله‌ای برای نگهداشتن یکپارچگی بازار مالی از طریق بهبود کیفیت گزارشگری مالی شناسایی کردند.

## ۲-۲-۲- ویزگی‌های کمیته‌ی

### حسابرسی

درباره‌ی ویزگی‌های کمیته‌ی حسابرسی این سؤال مطرح می‌شود

که آیا ویزگی‌های کمیته‌ی حسابرسی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیری دارد؟ در این مقاله چند ویزگی کمیته‌ی حسابرسی از قبیل استقلال، تخصص، تلاش، اندازه، دوره‌ی تصدی، اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی که می‌تواند در بهبود فرایند گزارشگری مالی مؤثر واقع شود بر اساس مطالعات قبلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۲-۱- استقلال کمیته‌ی

### حسابرسی

یکی از مهم‌ترین ویزگی‌های کمیته‌های حسابرسی که بسیار مورد تأکید قرار می‌گیرد استقلال کمیته‌ی حسابرسی است. در تحقیقات قبلی استقلال کمیته‌ی حسابرسی به عنوان یک از ویزگی‌های اصلی مرتبط با اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. ویکنر، هیکن و کارنس<sup>۲۴</sup> (۱۹۹۳) مطالعه‌ای توصیفی درباره‌ی استقلال کمیته‌ی حسابرسی انجام دادند. نتایج آن‌ها حاکی از این بود که تقریباً یک سوم از اعضای کمیته‌ی حسابرسی در نمونه‌ی استخراج شده از شرکت‌های بورس اوراق بهادار نیویورک به عنوان مدیران دارای وضعیت مبهم طبقه‌بندی شدند. این مدیران عبارت از خویشاوندان مدیریت، مشاوران شرکت، مدیران وابسته و هیئت اجرایی بازنشسته بودند.

آن‌ها ادعا کردند که وجود چنین مدیرانی سؤال برانگیز است (ویکنر، هیکن و کارنس، ۱۹۹۳). کلین (۲۰۰۲) عوامل تعیین‌کننده استقلال کمیته‌ی حسابرسی را مورد مطالعه قرار داد. این مطالعه نشان داد که استقلال کمیته‌ی حسابرسی با افزایش اندازه‌ی هیات مدیره و استقلال هیات

مدیره افزایش و با فرصت‌های رشد شرکت و گزارشگری متوالی زیان‌های شرکت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین بر نتایج مهم مربوط به متغیرهای هیات مدیره و اهمیت تأثیر هیات مدیره بر روی کمیته‌ی حسابرسی تأکید می‌کند. کارسلو و نیل (۲۰۰۳) نشان دادند که استقلال کمیته‌ی حسابرسی با افشای وضعیت مالی شرکت‌هایی که با بحران مالی روبرو شده‌اند ارتباط دارد. به‌ویژه، این دو افشاهای انجام شده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و تحلیل و بحث مدیریت را مورد تحلیل قرار دادند تا مشخص کنند که آیا افشاهای در مورد ادامه‌ی حیات شرکت در آینده خوش‌بینانه بودند یا بدبینانه. نتایج حاکی از این بود که شرکت‌های دارای تجربه‌ی بحران مالی، رابطه‌ی معنی‌دار مثبتی بین درصد مدیران وابسته کمیته‌ی حسابرسی و خوش‌بینی افشای تداوم فعالیت داشتند (کارسلو و نیل، ۲۰۰۳). استقلال کمیته‌ی حسابرسی اغلب به عنوان ویزگی ضروری تأثیرگذار بر اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی در فرایند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود زیرا اعضای کمیته مدیران خارجی و مستقل از مدیریت هستند. اهمیت استقلال کمیته‌ی حسابرسی در اکثریت توصیه‌ها و قوانین برای تشکیل اجباری کمیته‌ی حسابرسی منعکس می‌شود، که توصیه یا الزام می‌کنند که اکثریت اعضای کمیته‌ی حسابرسی باید از مدیران غیرموظف باشند. انگلیسی (۱۹۹۴) به طور کلی در ادبیات تحقیقات پیشین مربوط به استقلال کمیته‌ی حسابرسی دریافته است که متغیرهایی از قبیل اندازه‌ی هیات مدیره و استقلال هیات مدیره با استقلال کمیته‌ی حسابرسی ارتباط دارند.

## ۲-۲-۲- تخصص

تخصص و مهارت اعضای کمیته‌ی حسابرسی، ویژگی دیگری از ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی است که با اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی ارتباط تنگاتنگی داشته است و در ادبیات تحقیقات پیشین به نحو چشمگیری مورد توجه قرار گرفته است. دی زورت و سالتریو<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۱) نمونه‌ای از اعضای کمیته‌ی حسابرسی

آنها پیدا نکردند. مک دانیل، مارتین و مینس<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۲) برای بررسی اختلاف قضاوت درباره کیفیت گزارشگری مالی میان کارشناسان مالی و تحصیل کرده‌های مالی آزمایشی انجام دادند. نتایج حاصل از مطالعه شمول کارشناسان مالی را در کمیته‌ی حسابرسی در بر داشت که احتمال می‌رود یکنواختی ارزیابی‌های کلی کیفیت گزارشگری را بهبود بخشد. دیویدسان، زای و زو<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۴) در

است (کانسوئلو و دفیوئنتس، ۲۰۰۷). گروه دیگری از مطالعات رابطه‌ی میان تخصص کمیته‌ی حسابرسی، مدیریت سود و کیفیت سود را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. چندین نتیجه کلی می‌توان از مطالعات پیشین در زمینه‌ی تخصص و تجربه‌ی کمیته‌ی حسابرسی استخراج کرد. نوشتارهای نظری و تجربی اهمیت انواع مختلف تخصص و تجربه را پیرامون فعالیت‌های عملیاتی متنوع شناسایی کرده‌اند. علاوه بر استقلال، تخصص کمیته‌ی حسابرسی نیز اغلب به عنوان ویژگی مهمی برای عملکرد مؤثر آن در نظر گرفته می‌شود. استدلال شده است که نظارت مؤثر کمیته‌ی حسابرسی ایجاب می‌کند که اعضای آن برای ارزیابی مستقل موضوعاتی که به آن‌ها ارائه می‌شود، تخصص کافی در حسابداری و حسابرسی داشته باشند (بیسلی و سالتریو ۲۰۰۱؛ دیویدسون، زای و زو ۲۰۰۴). بدون درجه‌ی مشخصی از تخصص، برای اعضای کمیته‌ی حسابرسی دشوار خواهد بود تا اطلاعات مالی را که ملزم به ارزیابی آن هستند به اندازه‌ی کافی درک کنند. علاوه بر این، مدیران دارای مدارک حرفه‌ای قانونی تمایل به داشتن آگاهی بیش‌تر از وظایف‌شان و الزامات قانونی پیرامون گزارشگری مالی دارند. همچنین نهادهای تدوین‌کننده‌ی مقررات در ایالات متحده‌ی آمریکا اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای در زمینه‌ی تخصص کمیته‌ی حسابرسی تشخیص داده‌اند. به دنبال توصیه‌های کمیته‌ی بلو ریون (۱۹۹۹) بورس‌های اوراق بهادار نیویورک و انجمن ملی معامله‌گران اوراق بهادار، برای این‌که اعضای کمیته‌ی حسابرسی را ملزم به داشتن سطح مشخصی از سواد مالی و حسابداری یا تخصص مدیریت مالی مربوطه نمایند، مقررات‌شان را اصلاح کردند.



تحقیقی بازده سهام را پیرامون زمان انتصاب اعضای کمیته‌ی حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد مادامی که اعضای جدید کمیته‌ی حسابرسی دارای تخصص مالی باشند، شاهد تأثیرگذاری قابل‌ملاحظه‌ای روی قیمت سهام هستیم. مطالعات قبلی نشان داده‌اند مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه‌ی گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار مرتبط با اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی

شرکت‌های کانادایی را مورد بررسی قرار داند تا واکنش آن‌ها را نسبت به مذاکرات میان حسابرس مستقل و مدیریت شرکت مشخص کنند. آن‌ها دریافتند که حمایت بیش‌تر از حسابرس مستقل به وسیله کمیته‌ی حسابرسی با تجربه‌ی بیش‌تر مدیر مستقل و دانش بالاتر گزارشگری حسابرسی مدیران ارتباط دارد. با وجود این، رابطه‌ی معنی‌داری بین قضاوت اعضای کمیته‌ی حسابرسی و دانش گزارشگری مالی

### ۳-۲-۲- فعالیت

تلاش کمیته‌ی حسابرسی در انجام وظایفش نیز با اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی ارتباط دارد. در ادبیات کمیته‌ی حسابرسی چندین شاخص متفاوت برای تلاش کمیته‌ی حسابرسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که متداول‌ترین آن‌ها تعداد جلسات کمیته‌ی حسابرسی در هر سال است. حساب‌برسان مستقل ممکن در صورت ضرورت درخواست تشکیل جلسه را به کمیته‌ی حسابرسی بدهند. نمونه‌های تقلب در صورت‌های مالی، نشان‌دهنده‌ی شرایط بسیار ضعیف کیفیت گزارشگری مالی است. شاخص دیگری که در نوشتارها برای تلاش کمیته‌ی حسابرسی مورد استفاده قرار گرفته است افشای اختیاری اطلاعات کمیته‌ی حسابرسی در گزارشات سالانه بوده است. همچنین کتب و مقالات، ارتباط میان تلاش کمیته‌ی حسابرسی را با چالش‌هایی از قبیل گزارشگری مالی متقلبانه و مدیریت سود و متغیرهای متنوع شرکتی و کمیته‌ی حسابرسی برقرار کرده است. سطح فعالیت کمیته‌ی حسابرسی برای افزایش اثربخشی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی به عنوان عاملی مهم توصیه شده است. پیشنهاد شده است که تشکیل صرف یک کمیته‌ی حسابرسی به این معنی نیست که کمیته برای افزایش توانایی کنترلی‌اش بر هیات مدیره اتکا کند. کمیته‌ی حسابرسی فعال، کمیته‌ای است که جلسات بیش‌تری طی سال برگزار کند و فرصت‌های بیش‌تری برای بحث و گفتگو و ارزشیابی چالش‌های پیش روی در خصوص رویه‌های گزارشگری مالی شرکت در اختیار اعضایش می‌گذارد (منون و ویلیامز<sup>۸</sup>،

۱۹۹۴). کمیته‌های گوناگون نیز بر اهمیت داشتن یک کمیته‌ی حسابرسی فعال تاکید کرده‌اند. کمسیون تردوی در ایالات متحده آمریکا استدلال کرده‌اند که یک کمیته‌ی حسابرسی باید سطح ثابتی از فعالیت را برای انجام اثربخش وظایف نظارتی خود نگهداری کنند. همچنین در خصوص اهمیت سطح فعالیت کمیته‌ی حسابرسی پشتوانه‌های



تجربی نیز وجود دارد. ابوت، پارک و پارکر<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) دریافتند که کمیته‌های حسابرسی که کلیه‌ی اعضای آن را مدیران مستقل تشکیل می‌دهند و حداقل دو بار در سال جلسه برگزار می‌کنند کم‌تر تمایل به تایید گزارشگری مالی متقلبانه یا گمراه‌کننده دارند. برخی از مطالعات گذشته نیز بر رابطه‌ی منفی میان سطح فعالیت کمیته‌ی حسابرسی و مدیریت سود پی برده‌اند (برای مثال، زای، دیویدسون

چهار جلسه و برخی دیگر بین سه تا چهار جلسه را در سال پیشنهاد می‌کنند. نوشتارهای تجربی نشان می‌دهد که کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌های بدون مشکلات گزارشگری بیش‌تر از کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌های دارای مشکلات گزارشگری جلسه برگزار می‌کنند (مک‌مولن و راقوناندان، ۱۹۹۶). از کمیته‌های حسابرسی فعال انتظار می‌رود که وظایفش را به روشی پاسخگویمان‌تر نسبت به کمیته‌هایی که

به‌ندرت جلسه برگزار می‌کنند انجام دهد. در نتیجه، کمیته‌های حسابرسی که جلسات بیش‌تری در سال برگزار می‌کنند نسبت به کمیته‌هایی که به‌ندرت تشکیل می‌شوند، تمایل بیش‌تری دارند تا اختلافات در موضوعات حسابداری و مالی میان حساب‌برسان و مدیریت را شناسایی کنند و بنابراین بهتر قادر خواهند بود تا اختلافات را حل کنند. لذا احتمال بیش‌تری وجود دارد که صورت‌های مالی مطابق با اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری تهیه شده باشد و بنابراین احتمال برخورد با شرایطی از قبیل اشتباه و عدم رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری کم‌تر و احتمال افشای شرایطی از قبیل ابهام و محدودیت در دامنه رسیدگی بیش‌تر خواهد بود (کانسوئلو و دفیوئنتس، ۲۰۰۷).

#### ۴-۲-۴- اندازه

اندازه‌ی کمیته‌ی حسابرسی می‌تواند تاثیر سازنده‌ای روی کمیته داشته باشد. کمیته‌ی حسابرسی بزرگ‌تر می‌تواند مؤثرتر باشد به طوری که کمیته‌ها تمایل دارند که شامل اعضای با تخصص‌های گوناگون برای انجام کنترل جدی‌تر رویه‌های گزارش‌گیری مالی باشند (چوی، جن و پارک، ۲۰۰۴). کمیته‌ی بلو ریون (۱۹۹۹) توصیه می‌کند که کمیته‌ی حسابرسی حداقل باید سه عضو داشته باشد. به هر حال کمیته‌های حسابرسی کم‌تر تمایل دارند که بر اساس رابطه‌ای خطی باشند؛ به این معنی که با افزایش اندازه کمیته‌ی حسابرسی مؤثر و با کاهش اندازه کمیته غیرمؤثر باشند. در این زمینه (کارامانو و وافیس، ۲۰۰۵) می‌گویند که کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر، دانش وسیع‌تری دارند که بر

مبنای آن استدلال و استنتاج می‌کنند. ادبیات مالی موجود شواهدی در زمینه‌ی رابطه‌ای منفی میان اندازه‌ی هیات مدیره و اثربخشی نقش کنترلی مدیران فراهم می‌کند. از طرف دیگر هرچه کمیته‌ی حسابرسی بزرگ‌تر باشد، برای مدیران اجرایی سخت‌تر خواهد بود که اکثریت اعضا را برای انجام اصلاحات پیشنهادی ارائه شده از سوی حساب‌برسان مستقل تحت فشار قرار دهند.

این موضوع در عوض، احتمال اشتباه بااهمیت در صورت‌های مالی و عدم رعایت اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری را کاهش خواهد داد که منجر به گزارش حسابرسی مقبول خواهد شد و احتمال افشای شرایط ابهام یا محدودیت در رسیدگی افزایش خواهد یافت. بنابراین تعداد اعضای کمیته‌ی حسابرسی ممکن است نگرش مدیریت را نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش پیشنهادها تعدیلاتی حساب‌برس مستقل تحت تاثیر قرار دهد (کانسوئلو و دفیوئنتس، ۲۰۰۷). در هر صورت کمیته‌های حسابرسی تمایل ندارند که با افزایش اندازه‌ی کمیته‌ی حسابرسی مؤثر و با کاهش اندازه‌ی کمیته غیرمؤثر باشند.

#### ۵-۲-۲- دوره تصدی

دوره‌ی زمانی که یک کمیته‌ی حسابرسی برای آن تشکیل شده است انتظار می‌رود تا به اثربخشی آن در انجام مسئولیت‌هایش کمک کند. هر چه دوره‌ی زمانی تشکیل کمیته طولانی‌تر باشد، تجربه‌ی اعضای کمیته‌ی حسابرسی در انجام وظایف‌شان بیش‌تر خواهد شد. بنابراین انتظار می‌رود مادامی که اعضای کمیته‌ی حسابرسی آگاهی و دانش دقیق‌تری در مورد رویه‌های

گزارش‌گیری مالی شرکت داشته باشند، شاهد تأثیرات سازنده‌ای بر روی کیفیت گزارش‌گیری باشیم.

#### ۳-۲- اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی

تحقیقات تجربی در زمینه‌ی اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی عوامل گوناگونی را مورد بررسی قرار داده‌اند (کانسوئلو و دفیوئنتس، ۲۰۰۷). اسپنگلر و برایتا<sup>۳۳</sup> (۱۹۹۰) سعی کردند عنوان اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی را براساس شیوه‌های رهبری رؤسای کمیته‌های حسابرسی مورد بررسی قرار دهند. این مطالعه اعضای کمیته‌ی حسابرسی، شرکای حسابرسی و مدیریت ارشد شرکت را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از این بود که تغییر رهبری و "مدیریت بر مبنای استثنای" فعال آثار قابل ملاحظه‌ای روی اثربخشی کمیته‌های حسابرسی داشتند. کالبرز و فوگارتی (۱۹۹۳) پیشنهاد می‌کنند که اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی تابعی از انواع و دامنه قدرت کمیته‌ی حسابرسی بود. مطالعه‌ای که بر روی نمایندگان کمیته‌ی حسابرسی انجام گرفت، اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی را در چارچوب نقش‌های نظارتی مربوط به گزارش‌گیری مالی، حساب‌برسان داخلی و کنترل داخلی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که کمیته‌ی حسابرسی اثربخش، منشور سازمانی قوی، پشتکار و تلاش و جدیت و پشتیبانی بنیادین را ایجاد می‌کند. در مطالعه دیگری کریشناورثی، رایت و کوهن<sup>۳۴</sup> (۲۰۰۲) (ای) تعدادی از عناوین مربوط به اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی و کیفیت گزارش‌گیری مالی را مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه برای گردآوری

دیدگاه شرکای حسابرسی و مدیران را در رابطه با نقش و مسئولیت کمیته‌های حسابرسی و عوامل و ویژگی‌هایی که اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی را تضمین می‌کنند را مورد بررسی قرار دادند. اکثریت شرکت کنندگان در این بررسی نشان دادند که اطمینان از سیاست‌های حسابداری با کیفیت بالا و نظارت بر گزارشگری مالی را مهمترین نقش کمیته‌ی حسابرسی به حساب می‌آورند.

همچنین اعضای کمیته‌های حسابرسی را در انجام مسئولیت‌های گزارشگری مالی تا حدودی اثربخش تلقی می‌کردند. گندرون، بدارد و گاسلین<sup>۳۵</sup> (۲۰۰۴) رویکرد مطالعه میدانی را برای بررسی اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه درصدد تحلیل عنوان زیر بود: موضوعاتی که اعضای کمیته‌ی حسابرسی در جلسات بر آن تاکید می‌کنند؛ چگونه اعضای کمیته‌ی حسابرسی این موضوعات را ارزیابی می‌کنند؛ و چگونه اعضای کمیته‌ی حسابرسی پاسخ‌ها و اظهارنظرهای مدیران و حساب‌رسان را هنگام جلسات ارزیابی می‌کنند. در این مطالعه، اطلاعات مربوط به سه شرکت سهامی عام کانادایی را به عنوان مبنای مطالعه میدانی مورد استفاده قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که اعضای کمیته‌ی حسابرسی بر چند عنوان اصلی در جلسات شامل؛ صحت صورت‌های مالی؛ اثربخشی کنترل‌های داخلی؛ کیفیت کار حسابرسی انجام شده، تأکید دارند. علاوه بر این دریافتند که جنبه اصلی کار کمیته‌ی حسابرسی پاسخ به سؤالات چالش برانگیز مدیران و حساب‌رسان و ارزیابی پاسخ‌ها بود. اعضای کمیته‌ی حسابرسی ممکن

است تمایل داشته باشند تا درباره‌ی اثربخشی خود زیاده‌گویی و اغراق کنند برای اینکه خودشان را با اهمیت جلوه دهند، در حالیکه اگر کمیته‌ی حسابرسی بر مدیریت شرکت انتقادی وارد نماید مدیریت ارشد شرکت ممکن اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی را کم اهمیت جلوه دهند (اسپنگلر و برایتو، ۱۹۹۰).

### ۳- کیفیت گزارشگری مالی

گرچه ممکن است انتظار بر این باشد که کمیته‌ی حسابرسی بهتر، منجر به بهبود فرایند گزارشگری مالی می‌شود؛ ولی واقعیت این است که در ادبیات موجود اتفاق نظر در خصوص اینکه کیفیت گزارشگری مالی باید شامل چه مواردی باشد، وجود ندارد. لذا در اینجا به دو نگرش کلی در مورد کیفیت گزارشگری مالی اشاره می‌شود. از نظر جناس و بلانچیت<sup>۳۶</sup> (۲۰۰۰) دو نگرش کلی در ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده وجود دارد. دیدگاه اول بر نیاز استفاده‌کنندگان مبتنی است. طبق این دیدگاه، کیفیت گزارشگری مالی به سودمندی اطلاعات مالی برای استفاده‌کنندگان این اطلاعات مربوط می‌شود. دیدگاه دوم بر مفهوم حفاظت از سرمایه‌گذار یا سهام‌دار متمرکز می‌باشد. این دیدگاه کیفیت اطلاعات مالی را شفافیت و کامل بودن که موجب گیج‌کنندگی یا گمراه‌کنندگی نباشد مطرح می‌کند. یک تفاوت اساسی میان دو دیدگاه کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. دیدگاه نیاز استفاده‌کننده عمدتاً به فراهم کردن اطلاعات مربوط برای استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیری مربوط می‌شود در حالیکه هدف دیدگاه حفاظت از سرمایه‌گذار، اطمینان از اطلاعات تهیه

شده کافی، شفاف و قابل قبول برای نیاز سرمایه‌گذاران است.

### ۴- گزارشگری مالی و نقش

#### کمیته‌ی حسابرسی

در این بخش به بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه کمیته‌ی حسابرسی و بهبود آن بر کیفیت گزارشگری مالی پرداخته می‌شود:

برای سال‌های زیادی تدوین استانداردهای حسابداری در بریتانیا بخاطر فقدان یک سازوکار اجرایی رسمی برای گزارشگری مالی در معرض اتهام و مورد انتقاد قرار گرفته بود. به دنبال بررسی کمیته دیرینگ، هیات بررسی گزارشگری مالی در سال ۱۹۹۱ بنا نهاده شد. از آن زمان به بعد هیات بررسی گزارشگری مالی، به عنوان نقطه عطفی در به اجرا درآوردن گزارشگری مالی شرکتی در بریتانیا بوده است. همراه با هیات استانداردهای حسابداری و گروه ضربت برای حل مسائل ضروری<sup>۳۷</sup>، هیات بررسی گزارشگری مالی بخش یکپارچه‌ای از مقررات گزارشگری مالی در بریتانیا بوده است. هیات بررسی گزارشگری مالی از طریق دپارتمان تجارت و صنایع صلاحیت و اجازه دارد که حساب‌های شرکت‌ها را مورد بازرسی قرار دهد. در صورت ضرورت، هیات مجوز قانونی بردن شرکت‌ها را به دادگاه (محاکم قضایی) دارد. هیات بررسی گزارشگری مالی، استانداردهای مطلوبی را در سال ۱۹۹۹ در صورت محکوم شدن به تخلف اعمال کرد.

به دنبال رهنمودهای سرمایه‌گذاران خصوصی و تشریحات عمومی، هیات شروع به بررسی حساب‌های شرکت‌ها

نمود. در صورتی که انحرافات بااهمیتی پیدا می‌شد، هیات آن را در رسانه‌ها و مطبوعات عمومی منتشر و معیارهای اصلاحی توصیه می‌نمود. برخی مواقع این معیارهای اصلاحی قبل از انتشار در مطبوعات و رسانه‌ها توصیه می‌شد. با شروع سال ۲۰۰۰، هیات بررسی گزارشگری مالی بیش از ۵۰ شرکت را اعلان نمود که تخلف همگی آنها مربوط به عدم رعایت قوانین سال

کنون نگرانی آکادمیک بوده است. فاما (۱۹۸۰) پیشنهاد می‌کند که در صورت احتمال تبانی میان هیات مدیره و مدیریت شرکت، کارایی هیات مدیره شرکت ممکن است از طریق استخدام مدیران خارجی افزایش یابد. از این رو کمیته‌ی حسابرسی متشکل از مدیران خارجی می‌تواند سازوکار مهمی برای گردآوری و تایید اطلاعات میان مدیریت شرکت و شرکت‌کنندگان

اقتصادی نمایندگان درگیر (برای مثال حسابرسان داخلی، حسابرس مستقل و اعضای کمیته‌ی حسابرسی) را در مورد معیارهای متنوع اثربخشی استخراج کنیم. کالبرز و فوگارتی (۱۹۹۳) از این رویکرد پیروی می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که قدرت از عوامل بارز تعیین‌کننده‌ی اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی است. والنایزر (۱۹۹۵) فهرست جامعی از معیارهای اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی را مطرح می‌کند. برخی از این معیارها موضوع آزمون تجربی انجام شده توسط دیورت (۱۹۹۷) بوده‌اند. رویکرد دیگر درصد توضیح تشکیل و وجود کمیته‌های حسابرسی و بررسی فعالیت‌های آن است. کولیر<sup>۳۸</sup> (۱۹۹۲)، منن و ویلیام (۱۹۹۴)، لی و استون<sup>۳۹</sup> (۱۹۹۷) و کولیر و گریگوری<sup>۴۰</sup> (۱۹۹۹) این رویکرد را اتخاذ کردند. با اذعان به اینکه نقش اصلی کمیته‌ی حسابرسی، کنترل گزارشگری مالی است، طبیعی است که هر گونه تخطی از استانداردهای حسابداری به عدم اثربخشی آن نسبت داده می‌شود. واضح است که هیات مدیره و حسابرسان مستقل هر یک در زمینه‌ی صحت و ارائه منصفانه صورت‌های مالی اظهارنظر می‌کنند، اما کمیته‌ی حسابرسی به عنوان تضمین‌کننده نهایی مورد توجه قرار می‌گیرد و صورت‌های مالی را قبل از انتشار آنها به سهام‌داران و ذی‌نفعان تایید می‌کند (سانگ و ویندرم، ۲۰۰۴).



۱۹۸۵ شرکت‌ها و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۹۹۸، استانداردهای حسابداری و استانداردهای گزارشگری مالی بود.

با این وجود، اخیراً هیات بررسی گزارشگری مالی فعالیت‌هایش را مورد بررسی قرار داده است و اکنون رویکردی مبتکرانه‌تر در حیطة اختیاراتش اتخاذ می‌نماید. نقش‌ها و وظایف کنترلی هیات مدیره شرکت و کمیته‌های فرعی آن، سال‌های زیادی

خارجی بازار باشد. کمیته‌ی حسابرسی نماینده کامل هیات است و ارتباط میان هیات مدیره، حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی، مدیر عایل و مدیران عملیاتی را برقرار می‌کند.

آنچه باقی می‌ماند قضاوت در مورد اثربخشی هیات مدیره و کمیته‌ی حسابرسی آن است. چندین رویکرد در ادبیات در رابطه با اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی نمایان شده‌اند. یک رویکرد این است که مفاهیم

تعدادی از مطالعه پیشین رابطه میان کمیته‌های حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی را مورد حمایت تجربی قرار داده‌اند. مک مولن<sup>۴۱</sup> (۱۹۹۶) دریافت که شرکت‌های دارای گزارشگری مالی قابل اتکاتر تمایل بیشتری به داشتن کمیته‌ی حسابرسی

و جلسات سالانه کمتری بودند. در مطالعاتی مشابه، ابوت، پارک و پارکر (۲۰۰۰) دریافتند که شرکت‌های دارای کمیته‌های حسابرسی متشکل از مدیران مستقل و برگزاری حداقل دو جلسه در سال کمتر متمایل به تایید گزارشگری مالی متقلبانه یا همراه‌کننده بودند. یافته‌های مطالعه کمیته‌های حسابرسی توسط سانگ و ویندرم (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که سواد

داشتند. یافته‌های دیچو، اسلون و اسونی (۱۹۹۶) حاکی از این بود که شرکت‌هایی که سودشان را دستکاری می‌کنند تمایل کمتری به داشتن کمیته‌ی حسابرسی دارند. بیسلی و دیگران (۲۰۰۰) بیسلی و دیگران (۲۰۰۰) دریافتند که شرکت‌های متقلب در صنایع مشخص نسبت به شرکت‌های غیرمتقلب کمتر کمیته‌های حسابرسی داشتند. مطالعات زیادی رابطه میان کمیته‌های حسابرسی و نمونه‌هایی از تقلب صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار داده‌اند. دیچو، اسلون و سوینی<sup>۴۲</sup> (۱۹۹۶) شرکت‌هایی را که تابع سازوکارهای اجرایی حسابداری توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار بودند را بخاطر نقض اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که شرکت‌هایی که سودشان را دستکاری می‌کردند کمتر متمایل به داشتن کمیته‌ی حسابرسی بودند. مک مولن (۱۹۹۶) پنج اثر بالقوه کمیته‌های حسابرسی درگیر وقوع اشتباه، مقررات زدایی و اعمال غیرقانونی مربوط به گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های وی نشان داد که شرکت‌های دارای گزارشگری مالی قابل اتکاتر، بیش‌تر متمایل به داشتن کمیته‌های حسابرسی بودند. با وجود این، بیسلی (۱۹۹۶) در تجزیه و تحلیل شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب دریافت که وجود کمیته‌ی حسابرسی به نحو قابل ملاحظه‌ای بر احتمال تقلب صورت‌های مالی تاثیر نمی‌گذارد. بیسلی و دیگران (۲۰۰۰) به تفاوت‌های راهبری شرکتی شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب توجه کردند. آنها دریافتند که کمیته‌های حسابرسی شرکت‌های متقلب در صنایع مشخص دارای استقلال کمتر



در حالیکه دیچو، اسلون و سوینی (۱۹۹۶) و مک مولن (۱۹۹۶) شواهدی در خصوص این متغیرهای یافتند، بیسلی (۱۹۹۶) وجود چنین رابطه‌ای را شناسایی نکرد. علاوه بر این، ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی از قبیل استقلال در مطالعات (ابوت، پارک و پارکر، ۲۰۰۰؛ بیسلی و دیگران، ۲۰۰۰؛ ابوت، پارکر و پیترز، ۲۰۰۴)، فعالیت در مطالعات ابوت، پارک و پارکر، ۲۰۰۰؛ بیسلی و دیگران،

مالی کمیته‌های حسابرسی و سطح فعالیتشان بر احتمال تبعیت شرکت‌ها از استانداردهای گزارشگری مالی مؤثر می‌باشد. ابوت، پارکر و پیترز<sup>۴۳</sup> (۲۰۰۴) نمونه‌هایی از تجدید ارائه ارقام مربوط به نتایج عملیات سالانه شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند و رابطه قابل ملاحظه‌ای میان استقلال، سطح فعالیت کمیته‌ی حسابرسی و وقوع تجدید ارائه ارقام صورت‌های مالی یافتند. در مطالعاتی مشابه، توسط لین، لی و وانگ

۲۰۰۰؛ ابوت، پارکر و پیترز، ۲۰۰۴؛ سانگ و ویندرم، ۲۰۰۴)، تخصص در مطالعه (سانگ و ویندرم، ۲۰۰۴) و اندازه در مطالعه (لین، لی و یانگ، ۲۰۰۶) به طور قابل ملاحظه‌ای با تقلب صورت‌های مالی یا تجدید ارائه ارقام صورت‌های مالی ارتباط داشته‌اند.

انواع مختلف ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی در مطالعات پیشین در خصوص رابطه میان مدیریت سود و سایر معیارهای کیفیت سود مورد بررسی و آزمون قرار گرفته‌اند. عموماً بیش‌تر این ویژگی‌ها استقلال، تخصص، فعالیت و اندازه کمیته‌ی حسابرسی بوده‌اند. در چندین مطالعه پیشین مشاهده شده است که استقلال کمیته‌ی حسابرسی با معیارهای مدیریت سود یا کیفیت سود به طور قابل ملاحظه‌ای ارتباط داشته است (کلین، ۲۰۰۲؛ ای، بدارد، چتورو و کورتیو، ۲۰۰۴؛ چوی، جون و پارک<sup>۴۴</sup>، ۲۰۰۴؛ وان در زان و تاور، ۲۰۰۴؛ دیویدسان، گودوین-استوارت و کنت، ۲۰۰۵؛ وافیس<sup>۴۵</sup>، ۲۰۰۵). همچنین چندین مطالعه پیشین به ارتباط معنی‌داری بین تخصص کمیته‌ی حسابرسی، مدیریت سود و کیفیت سود پی برده‌اند (زای، دیویدسان و دادالت، ۲۰۰۳؛ ای، بدارد، چتورو و کورتیو، ۲۰۰۴؛ چوی، جون و پارک، ۲۰۰۴؛ دهالیوال، نیکر و ناویسی<sup>۴۶</sup>، ۲۰۰۶). بدارد، چتورو و کورتیو (۲۰۰۴) پی بردند که ارتباطی منفی بین وجود متخصص مالی در کمیته‌ی حسابرسی همانند تخصص حاکمیت و احتمال مدیریت سود انباشته وجود دارد. طبق مطالعات گذشته، بین فعالیت کمیته‌ی حسابرسی و مدیریت سود یا کیفیت سود ارتباط وجود دارد.

زای، دیوید سان و دادالت (۲۰۰۳) ای، وان در زانگ و تاور (۲۰۰۴) و وافیس (۲۰۰۵) هر یک شواهدی درباره ارتباط معنی‌دار میان این متغیرها یافتند.

چوی، جون و پارک (۲۰۰۴)، بدارد، چتورو و کورتیو<sup>۴۷</sup> (۲۰۰۴) و دیویدسان، گودوین-استوارت و کنت<sup>۴۸</sup> (۲۰۰۵) هر یک پی بردند که فعالیت کمیته‌ی حسابرسی به طور قابل ملاحظه‌ای با مدیریت سود ارتباط داشت. چوی، جون و پارک (۲۰۰۴) و یانگ و کریشن<sup>۴۹</sup> (۲۰۰۵) دریافتند که کمیته‌ی حسابرسی بزرگتر با مدیریت کمتر سود ارتباط داشت.

به هر حال، بدارد، چتورو و کورتیو (۲۰۰۴) وافیس (۲۰۰۵) و دیویدسان، گودوین-استوارت و کنت (۲۰۰۵) هیچ یک نتایج معنی‌داری برای اندازه کمیته‌ی حسابرسی پیدا نکردند.

#### ۵- نتیجه‌گیری

به دلیل رسوایی‌های مالی سال‌های اخیر، بسیاری از مقررات و توصیه‌ها با هدف ایجاد اعتماد استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی و بازارهای سهام و اوراق بهادار منتشر شده‌اند. هر چند که با ایجاد کمیته‌ی حسابرسی سعی در حفظ استقلال حسابرسان، دستیابی به اطلاعات مالی شفاف‌تر و افزایش بهبود کیفیت و قابلیت اتکای اطلاعات مالی است اما باز هم تحقیقات بیش‌تر در زمینه تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر بهبود کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود و هدف این مقاله این است که این ویژگی‌ها را بر اساس مروری بر تحقیقات گذشته روشن سازد.

کمیته‌ی حسابرسی سازوکار کنترلی نوینی در گزارشگری مالی محسوب می‌شود و پژوهش‌های بیش‌تر در این

زمینه موجب بهبود کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی و شفافیت اطلاعات مالی خواهد شد. امید است که این مقاله بتواند این انگیزه را برای تحقیقات بیش‌تر ایجاد کند که چگونه کمیته‌ی حسابرسی می‌تواند رفتار گزارشگری مالی هیات مدیره و مدیریت شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده، به نظر می‌رسد که باید از طریق اقداماتی از قبیل افزایش استقلال کمیته‌ی حسابرسی، وجود افرادی با تخصص مالی و حسابداری و حسابرسی در کمیته‌ی حسابرسی و افزایش بهبود اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی به منظور اطمینان از ارائه صادقانه فرایند گزارشگری مالی و گسترش پژوهش‌های انجام شده در زمینه ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و اثربخشی آن، تأکید بیش‌تری در زمینه بهبود آثار ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و اثربخشی آن بر فرایند گزارشگری مالی انجام گیرد.

به طور کلی، چند نتیجه‌گیری می‌توان از نتایج تحقیقات پیشین پیرامون رابطه میان کمیته‌های حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی استخراج نمود. اول اینکه پژوهش‌های محدودی پیرامون رابطه بین تشکیل کمیته‌ی حسابرسی و معیارهای کیفیت گزارشگری مالی انجام شده است. دوم اینکه شواهدی در خصوص ارتباط ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و معیارهای کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. به هر حال، نتایج مختلفی در ادبیات وجود دارند که نشان می‌دهند رابطه‌ای بین برخی از ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و معیارهای کیفیت گزارشگری مالی وجود ندارد.

1. Abbott, L., Park, Y. and Parker, S. (2000), 'The effects of audit committee activity and independence on corporate fraud', *Managerial Finance*, vol. 26, no. 11, pp. 55-67.
  2. Abbott, L., Parker, S. and Peters, G. (2004), 'Audit committee characteristics and restatements', *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, vol. 23, no. 1, pp. 69-87.
  3. ASX Corporate Governance Council (2003), 'Principles of Good Corporate Governance and Best Practice Recommendations'.
  4. Beasley, M. (1996), 'An empirical analysis of the relation between board of director composition and financial statement fraud', *The Accounting Review*, vol. 71, no. 4, pp. 443-465.
  5. Beasley, M. and Salterio, S. (2001), 'The relationship between board characteristics and voluntary improvements in audit committee composition and experience', *Contemporary Accounting Research*, vol. 18, no. 4, pp. 539-570.
  6. Beasley, M., Carcello, J., Hermanson, D. & Lapidus, P. (2000), 'Fraudulent financial reporting: Consideration of industry traits and corporate governance mechanisms', *Accounting Horizons*, vol. 14, no. 4, pp. 441-454.
  7. Bedard, J., Chtourou, S. and Courteau, L. (2004), 'The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management', *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, vol. 23, no. 2, pp. 13-35.
  8. Blue Ribbon Committee (1999), 'Report and recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees', *The Business Lawyer*, vol. 54, no. 2, pp. 1067-1095.
  9. Bradbury, M. (1990), 'The incentives for voluntary audit committee formation', *Journal of Accounting and Public Policy*, vol. 9, no. 1, pp. 19-36.
  10. Carcello, J. and Neal, T. (2003), 'Audit Committee Characteristics and Auditor Dismissals Following New Going Concern Reports', *Accounting Review*, 78(1), 95-117.
  11. Carcello, J. V. & Neal, T. (2000), 'Audit committee composition and auditor reporting', *Accounting Review*, 75(4), pp. 453-467.
  12. Choi, J., Jeon, K. and Park, J. (2004), 'The role of audit committees in decreasing earnings management: Korean evidence', *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, vol. 1, no. 1, pp. 37-60.
  13. Collier, P. & Gregory, A. (1999), 'Audit committee activity and agency costs', *Journal of Accounting and Public Policy*, 18(4-5), pp. 311-332.
- علاقه‌مندان برای دریافت فهرست کامل منابع مقاله‌ی بالا می‌توانند با پست الکترونیکی [info@iacpa.ir](mailto:info@iacpa.ir) تماس حاصل فرمایند.

## پی‌نویس‌ها

- |                           |                                    |  |
|---------------------------|------------------------------------|--|
| 1- Parmalat               | 19- Kalbers & Fogarty              | 36- Jonas & Blanchet                   |
| 2- Ahold                  | 20- Jensen & Meckling              | 37- Urgent Issues Task force (UITF)    |
| 3- Gescartera             | 21- Dellaportas                    | 38- Collier                            |
| 4- BBVA                   | 22- Bradbury                       | 39- Lee & Stone                        |
| 5- Consuelo & de Fuentes  | 23- Ramsay                         | 40- Gregory                            |
| 6- Davidson               | 24- Viknair, Hickman & Carnes      | 41- McMullen                           |
| 7- Cudbury Committee      | 25- Salterio                       | 42- Dechow, Sloan & Sweeney            |
| 8- Blue Ribbon Committee  | 26- McDaniel, Martin & Maines      | 43- Abbott, Park & Peters              |
| 9- Treadway Committee     | 27- Davidson, Xie & Xu             | 44- Choi, Jeon & Park                  |
| 10- Beasley               | 28- Menon & Williams               | 45- Vafeas                             |
| 11- DeZoort               | 29- Abbott, Park & Parker          | 46- Dhaliwal, Naiker and Navissi       |
| 12- Carcello & Neal       | 30- Xie, Davidson & DaDalt         | 47- Bedard, Chtourou and Courteau      |
| 13- Klein                 | 31- Van der Zahn & Tower           | 48- Davidson, Goodwin-Stewart and Kent |
| 14- Song & Windram        | 32- NACD                           | 49- Yang & Krishnan                    |
| 15- Wolnizer              | 33- Spangler & Braiotta            |  |
| 16- Eichenseher & Shields | 34- Krishnamoorthy, Wright & Cohen |  |
| 17- Pincus                | 35- Gendron, Bedard & Gosselin     |  |